

مدارس یک نوبته اولویت آموزش و پرورش است

کمبود فضای آموزشی و معلم به نسبت تعداد دانش آموزان باعث می شود که برخی از مدارس با فعالیت در دو نوبت صبح و بعد از ظهر به دنبال حل این مشکل



اصل و شرح

دیده شدن به وقت مرداد

وقتی دیده شدن بلاگرها از هر چیز مهم تر می شود



جامعه امروز

فاطمه عسگری نیا | روزنامه نگار | در فاصله کمتر از یک هفته ۱۳ اتفاق متفاوت فضای مجازی را درگیر خود کرد: تجمع صدها نفر از نوجوانان برای دیدن یک اینفلوئنسر عیدی و اعتراض هنرمندان به این رفتار و انتشار ویدئوهای خشونت آمیز بلاگری که برای جلب مخاطب دختران را کتک می زد. این ۱۳ اتفاق در ظاهر هیچ شباهتی به هم ندارند، اما جامعه شناسان می گویند همگی از یک تغییر عمیق اجتماعی خبر می دهند؛ دورانی که در آن «دیده شدن» برای برخی افراد گاهی از خود رویداد مهم تر شده است.

وقتی اینفلوئنسر ها جای ستاره ها را می گیرند

ماجرای تجمع نوجوانان برای دیدن یک اینفلوئنسر فقط یک قرار هواداری نبود؛ این اتفاق نشان داد نسل جدید، الگوهای شهرت متفاوتی پیدا کرده است. اگر تا ۲۵ دهه قبل بازیگران، خوانندگان یا ورزشکاران مهم ترین چهره های محبوب بودند، امروز بخشی از این جایگاه به اینفلوئنسر هایی رسیده که هر روز در تلفن همراه مخاطبان حضور دارند. نزدیکی و ارتباط روزانه باعث شده مرز میان هوادار و دوست مجازی کمرنگ شود. جامعه شناسان این پدیده را نتیجه تغییر الگوهای مرجع در عصر شبکه های اجتماعی می دانند؛ جایی که شهرت دیگر فقط با سابقه هنری یا ورزشی تعریف نمی شود بلکه با تعداد دنبال کنندگان، میزان تعامل و حضور مداوم در فضای مجازی نیز شکل می گیرد. به همین دلیل حضور یک اینفلوئنسر می تواند جمعیتی را به یک پارک یا پاساژ بکشاند؛ نه برای یک اجرا یا مراسم رسمی بلکه فقط برای چند دقیقه دیدار و ثبت یک تصویر.

وقتی سوگواری هم به قاب دوربین می رود

هنوز مراسم تشییع به پایان نرسیده بود که تلفن های همراه بالا رفت، نه برای ثبت آخرین وداع با هنرمندی که از دنیا رفته بود، بلکه برای گرفتن سلفی با بازیگران و چهره های مشهوری که برای ادای احترام آمده بودند. اصرار برخی حاضران برای گرفتن عکس یادگاری و واکنش سرد یا گاه عصبی بعضی از هنرمندان، بار دیگر بحث قدیمی آداب حضور در مراسم سوگواری را به فضای مجازی کشاند؛ بحثی که سال ها پیش نیز پس از مراسم تشییع خسرو شکیبایی مطرح شد و حتی مهراڻ مدیری بعدها گفت همان تجربه باعث شده دیگر در مراسم خاکسپاری هنرمندان شرکت نکنند. مراسم بدرقه هنرمندان همیشه محل وداع بوده است اما این روزها تلفن های همراه، روایت دیگری از این مراسم می سازند. در مراسم اکبر عیدی در خواست سلفی با بازیگران حاضر، واکنش های متفاوتی را در فضای مجازی به دنبال داشت. جامعه شناسان معتقدند برای بخشی از جامعه حضور در یک رویداد تازمانی که در شبکه های اجتماعی ثبت و منتشر نشود، کامل نیست. در مقابل، هنرمندانی که برای سوگواری آمده اند، انتظار دارند حرمت مراسم حفظ شود. این آنگاه متفاوت گاه به سوء تفاهم و تنش منجر می شود؛ یکی به دنبال ثبت خاطره است و دیگری در جست و جوی فرصتی برای وداع.

وقتی خشونت هم محتوای می شود

انتشار ویدئوهای بلاگری که برای جلب مخاطب دست به خشونت علیه دختران می زد، واکنش گسترده کاربران را به دنبال داشت. آنچه این پرونده را از یک جرم عادی متمایز می کند، تبدیل خشونت به محتوایی برای جذب مخاطب است. کارشناسان رسانه می گویند محتوای شوک آور معمولاً واکنش بیشتری برمی انگیزد و همین مسئله می تواند به گسترش آن کمک کند؛ البته نه صرفاً به دلیل الگوریتم ها بلکه به خاطر رفتار کاربران در بازنشر و اظهار نظر درباره آن. از نگاه جامعه شناسان وقتی دیده شدن به یک ارزش تبدیل می شود، برخی افراد ممکن است برای رسیدن به آن از مرزهای اخلاق و قانون عبور کنند. در چنین شرایطی مسئولیت فقط در عهده نهادهای نظارتی نیست؛ کاربران نیز با انتخاب آنچه می بینند و بازنشر می کنند، در شکل دادن به این چرخه نقش دارند.

مرز تازه رفتار اجتماعی

شاید این ۱۳ اتفاق هیچ ارتباط مستقیمی با یکدیگر نداشته باشند، اما هر سه یک پرسش مشترک را پیش روی جامعه می گذارند: آیا در عصر شبکه های اجتماعی «دیده شدن» به ارزش مسلط تبدیل شده است؟ از تجمع برای دیدن یک اینفلوئنسر تا سلفی در مراسم سوگواری و حتی تولید محتوای خشونت آمیز، همه نشان می دهند که تلاش برای دیده شدن، مرزهای تازه ای برای رفتار اجتماعی ترسیم کرده است. اگر قرار باشد برای هر کلیک، هر بازدید یا هر تصویر، بخشی از هنجارهای اجتماعی کنار گذاشته شود، آنچه از دست می رود فقط آرامش یک مراسم یا امنیت یک قربانی نیست؛ بلکه سرسرمایی اجتماعی و اعتماد عمومی نیز آسیب می بیند.



مکتب

دوپامین موبایلی

با ظهور است. رضا روستایی با تأکید بر سیاست تک نوبتی نگه داشتن مدارس گفت: آموزش و پرورش از یک سو موظف به پذیرش و ثبت نام تمام دانش آموزان و از سوی دیگر، مکلف به رعایت شاخص های برنامه هفتم توسعه مبنی بر عدم افزایش تراکم کلاس ها به بیش از ۳۵ نفر است.

علیرضا شریفی یزدی، روانشناس و جامعه شناس معتقد است برای تحلیل چنین رفتارهایی باید هم به ویژگی های فردی و هم به تحولات اجتماعی توجه کرد. او با اشاره به جنبه روان شناختی این پدیده می گوید: «برخی افراد دارای اختلالات شخصیتی مانند اختلال شخصیت ضد اجتماعی یا اختلال شخصیت نمایشی هستند. افراد دارای شخصیت ضد اجتماعی برای رسیدن به خواسته های خود به راحتی به دیگران آسیب می زنند و احساس همدلی محدودی دارند. در مقابل، افراد دارای شخصیت نمایشی حاضرند برای دیده شدن دست به هر رفتاری بزنند. بسیاری از این افراد در کودکی احساس کرده اند به اندازه کافی دیده نشده اند و اکنون تلاش می کنند این خلأ را با جلب توجه دیگران جبران کنند.»

سواد رسانه ای؛ حلقه مفقوده

این روانشناس و جامعه شناس یکی از ریشه های گسترش چنین پدیده هایی را ضعف سواد رسانه ای می داند. او معتقد است بسیاری از نوجوانان و حتی بزرگسالان هنوز نمی دانند چگونه با محتوای فضای مجازی مواجه شوند و بازنشر هر ویدئو تا خواسته به گسترش آن کمک می کند. به گفته شریفی یزدی، هر زمان که کاربران از بازنشر و استقبال از محتوای خشونت آمیز خودداری کنند، انگیزه تولید کنندگان این محتوا نیز کاهش خواهد یافت؛ زیرا بخش مهمی از فعالیت آنها بر پایه دیده شدن و دریافت واکنش از مخاطبان است.

مرجعیت از مدرسه

به صفحه موبایل منتقل شده است
شریفی یزدی هشدار می دهد که در سال های اخیر بخشی از مرجعیت تربیتی از نهادهایی مانند خانواده، مدرسه و رسانه های رسمی به بلاگرها و چهره های فضای مجازی منتقل شده است: «نوجوانان امروز بیش از گذشته با اینفلوئنسر ها همذات پنداری می کنند و رفتار آنها را الگو قرار می دهند. اگر این الگوها بر پایه شهرت به هر قیمت شکل بگیرد، نمی توان انتظار داشت که هنجارهای اجتماعی بدون آسیب باقی بمانند.»

دوپامینی که از صفحه موبایل می آید
این جامعه شناس فضای مجازی را نیز یکی از عوامل تقویت کننده این رفتارها می داند. به گفته او، شبکه های اجتماعی نوعی پاداش فوری ایجاد می کنند؛ هر چه تعداد دنبال کنندگان، بازدیدها و واکنش ها بیشتر باشد، فرد احساس موفقیت و اهمیت بیشتری می کند. او می گوید: «برای بخشی از نوجوانان و جوانان مشهور شدن به یک هدف تبدیل شده است؛ هدفی که گاهی از محبوب بودن هم مهم تر است. شهرت امتیاز اجتماعی و حتی منافع مالی به همراه دارد و همین موضوع باعث می شود برخی افراد برای رسیدن به آن راه های میانبر را انتخاب کنند؛ حتی اگر این مسیر از مرزهای اخلاق و قانون عبور کند.»

وقتی ارزش ها تغییر می کنند
به اعتقاد شریفی یزدی، مسئله فقط رفتار یک فرد نیست، بلکه تکرار

دلنگی های نبودن او را بر زبان جاری می کند و قربان قد و بالایش می رود. حالا صدای این مادر جنوبی در گوشمان تکرار می شود و حسرت می خوریم که ای کاش محمدرضا کنار مادرش بود.

مادر شهید محمدرضا کمیش نژاد، یادمان آورد که چه جوانانی از میان ما پر کشیدند. مادر که گویی برای سفر اربعین خود را به مرز چذابه رسانده است، وقتی در برابر تصویر فرزند شهیدش قرار می گیرد، تمام

چند روز پس از شروع جنگ تحمیلی سوم بود که در خیر ها خواندیم، پاسگاه مرزی طلاپه هویزه هدف حمله دشمن قرار گرفت. کمتر روایتی از زندگی شهدای این پاسگاه مطرح شد اما حالا دلنگی های

دلنگی مادرانه در مرز چذابه



گزارش

صفحه را حامد یزدانی

خونخواهان در طریق الحسین

زائران اربعین در کنار عزای سیدالشهدا با پرچم های سرخ، خونخواه رهبر شهید شدند

گزارش

گروه گزارش | اربعین امسال، فقط مسیر پیاده روی میلیون ها زائر به سوی کربلا نیست؛ در میان پرچم ها، نوحه ها و شعارهای همیشگی موجی تازه از مطالبه و احساس نیز شکل گرفته است: موج خونخواهی «رهبر شهید» که در موکب ها، مسیرهای منتهی به حریم و میان زائران از ملیت های مختلف بیش از هر زمان دیگری به چشم می خورد. تصاویر، پرچم ها، دست نوشته ها و شعارهایی که این روزها در مسیر نجف تا کربلا دیده می شود، نشان می دهد اربعین برای بسیاری از زائران فرصتی برای اعلام وفاداری به آرمان مقاومت و مطالبه خون شهدای این جبهه است. این گزارش روایتی است از شکل گیری و گسترش موج خونخواهی در راهپیمایی اربعین که به عنوان بزرگ ترین اجتماع مذهبی جهان شناخته می شود.

کوله پشتی های روایتگر

تعدادی از حاضران مراسم اربعین به پرچم گردانی قناعت نکرده اند و با نصب تصاویر و نوشته های مختلف روی کوله پشتی ها و دیگر لوازم همراهشان خونخواهی رهبر شهید را ترویج می کنند. یکی از این زائران اربعین در شبکه ایکس نوشته است: «ما در جا و هر مکان با این شعار زرد پدر کشتگی داریم، الی الطريق کربلا». او در زیر #پا_لغات_الحسین و #اربعین_حماسی هم تصویری از زائری را منتشر کرده که روی کوله پشتی اش تصویری از ترامپ را حمل می کند که روی پیشانی اش محل اصابت گلوله مشخص شده است. زائر دیگری هم روی پرچمی که در مسیر پیاده روی حمل می کند با عبارات فارسی و عربی خونخواهی خود را نشان داده و در پستی در شبکه ایکس نوشته است: «پرچم سرخ اربعین نماد استمرار نهضتی است که با خون آغاز شد و با بیداری ملت ها تا ابد ادامه یافت؛ نشانی از عهدی که هر سال میلیون ها دل را در مسیر حسین (ع) به هم گره می زند.»

تابلویی آراسته به یاد شهدا

جوان عراقی به نشانه قیام برای خونخواهی رهبر شهید ایران و شهدای جنگ تحمیلی سوم غلمی از قاب عکس نوه امام شهید ساخته و به خیل بزرگ جمعیت طریق الحسین (ع) پیوسته است. مشابه او بسیاری در پیروان مکتب شیعہ که هر یک به شکل و شیوه ای سعی در حمایت از مردم ایران دارند. پرچم سرخ خونخواهی امام شهید و شهدای ایران در جای جای مسیر پیاده روی اربعین و حداقل موکب ها دیده می شود. حتی بر فراز آلمان های جاده ای که عراقی ها در طراحی و ساخت آن خوش سلیقگی به خرج داده اند؛ اهتزاز پرچم بزرگ «پالائارات الولی» با استفاده از سازهایی با تصویر شهید ابومهدی المهندس و شهید قاسم سلیمانی.



مکتب

پرچمداری در عمود ۵۳۳

در میان تمام موکب هایی که در مسیر زائران اربعین برافراشته شده اند، موکب ۵۳۳ حال و هوای خاصی دارد، چرا که آنهایی که پسای کار پرچم گردانی در شهرهای مختلف از جمله تهران بوده اند، حالا پرچم خونخواهی رهبر شهید را برافراشته نگه می دارند. اینجا هم پرچم گردانی به همان شیوه ایران است و پرچم خونخواهی در تمام شبانه روز به همت بازوان زائران برافراشته می ماند. محسن محمدی پناه، مداح معروف «باید برخاست» که در قامت یکی از پرچمداران در عمود ۵۳۳ حاضر شده بود، در مورد این اقدام توضیح داد: «زائرانی که از این مسیر رد می شوند، نوبت می گیرند تا این پرچم خونخواهی را نگه دارند و جزو عبادت این مسیر برایشان ثبت می شود. از همین جا به همه عزیزان و زائرانی که در این مسیر حرکت می کنند، یادآوری می کنم که همما هم در این مسیر سهمی داشته باشید و در پرونده اعمال امسالتان پرچم گردانی و پرچم نگه داشتن، آن هم پرچم خونخواهی رهبر شهید را ثبت و ضبط کنید.» حجت الاسلام علیرضا پناهیان نیز از چهره های شناخته شده ای است که نامش در میان پرچمداران این موکب ثبت شده است. او در مورد حال و هوای این موکب گفت: «بسیاری می آیند و این پرچم را در این راهپیمایی عظیم نگه می دارند. چه خوب است که مردم به یاد سردار سلیمانی در این موکب استراحت کنند و مظاهر حماسه و مقاومت را لمس کنند.»

صف خونخواهان



کاربری به نام سمیرا رحیمی در شبکه ایکس نوشته است: «عراقی ها امسال ترند جدیدی در اربعین راه انداخته اند با عنوان «پالائارات الحسین» در حمایت از ایران و خونخواهی امام شهید». در ویدئویی که او در این پست منتشر کرده، افراد مختلف با طیف های سنی گوناگون به چشم می خورند که پرچم قرمز خونخواهی رهبر شهید را در دست دارند. نقطه آغاز این پرچم گردانی تصویر کودکی است که روی شانه های پدر جانش قلمدوش شده و پرچم «پالائارات الحسین» را در دست دارد. امتداد این زنجیره به جوانی عراقی می رسد که پرچم خونخواهی را می چرخاند. گروهی از بانوان پیر و جوان هم در این پرچم گردانی سرخ نمادین مشارکت دارند.

سفیر خونخواهی

شاید به رنگ خونخواهی در نیامده باشد، اما یک خونخواه است و این از «پالائارات الخامنهای» و «باید برخاست» که روی ماکت موشک قنات نوشته، پیداست. ماکت موشک را نیز گذاشته ترک موتور سیلکشن و از گرگان به قصد حضور در پیاده روی اربعین راهی کربلا شده است. مرد میانسال گرگانی هم این چنین سفیر خونخواهی امام شهید ایران شده است.



مسیر سرخ خون

مسیر اصلی و ۸۰ کیلومتری پیاده روی اربعین یعنی نجف تا کربلا با پرچم های برافراشته «پالائارات الحسین» و لباس های سرخ زائران، رنگ خون به خود گرفته است. پیاده روی اربعین ۱۴۴۸ یکی از متفاوت ترین نمونه های این آیین جهانی است که در سال های اخیر برگزار شده است. بسیاری از زائران از مرد و زن و پیر و جوان بیرق خونخواهی بالا برده اند و علاوه بر زمزمه نوحه و دعا شعار «هیبتا منا الذله» سر می دهند. بسیاری دیگر نیز لباسی به رنگ سرخ تن کرده اند و عکسی از آقای شهید ایران به دست دارند. تصاویر و ویدئوهای آنها در این اربعین سرخ حالا از پربازدیدهای شبکه های اجتماعی است.

